



حاشیه عدد ۱

۲۷۷

حاشیه‌های این کتاب  
برای توضیح و تفسیر  
مباحث و مسائل  
در این کتاب  
نویسده شده است



[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]



کشف فی السعده ان الله تعالى قد اراد ان يخلص  
عبد الله من النار في الدنيا وبعثه الى الدنيا

Handwritten text in a cursive script, likely a signature or a list of names, located at the bottom of the page.











[illegible]

[illegible]

فقر

ملک کا زمین موضع  
راجپوت



ایزہ

[illegible]



١٠  
 ١١  
 ١٢  
 ١٣  
 ١٤  
 ١٥  
 ١٦  
 ١٧  
 ١٨  
 ١٩  
 ٢٠  
 ٢١  
 ٢٢  
 ٢٣  
 ٢٤  
 ٢٥  
 ٢٦  
 ٢٧  
 ٢٨  
 ٢٩  
 ٣٠  
 ٣١  
 ٣٢  
 ٣٣  
 ٣٤  
 ٣٥  
 ٣٦  
 ٣٧  
 ٣٨  
 ٣٩  
 ٤٠  
 ٤١  
 ٤٢  
 ٤٣  
 ٤٤  
 ٤٥  
 ٤٦  
 ٤٧  
 ٤٨  
 ٤٩  
 ٥٠  
 ٥١  
 ٥٢  
 ٥٣  
 ٥٤  
 ٥٥  
 ٥٦  
 ٥٧  
 ٥٨  
 ٥٩  
 ٦٠  
 ٦١  
 ٦٢  
 ٦٣  
 ٦٤  
 ٦٥  
 ٦٦  
 ٦٧  
 ٦٨  
 ٦٩  
 ٧٠  
 ٧١  
 ٧٢  
 ٧٣  
 ٧٤  
 ٧٥  
 ٧٦  
 ٧٧  
 ٧٨  
 ٧٩  
 ٨٠  
 ٨١  
 ٨٢  
 ٨٣  
 ٨٤  
 ٨٥  
 ٨٦  
 ٨٧  
 ٨٨  
 ٨٩  
 ٩٠  
 ٩١  
 ٩٢  
 ٩٣  
 ٩٤  
 ٩٥  
 ٩٦  
 ٩٧  
 ٩٨  
 ٩٩  
 ١٠٠



[illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]





[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]







[illegible]

[illegible]

مكتبة  
الشيخ  
الشيخ  
الشيخ  
الشيخ

[illegible]

[illegible]





[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]







[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٠  
 ١١  
 ١٢  
 ١٣  
 ١٤  
 ١٥  
 ١٦  
 ١٧  
 ١٨  
 ١٩  
 ٢٠  
 ٢١  
 ٢٢  
 ٢٣  
 ٢٤  
 ٢٥  
 ٢٦  
 ٢٧  
 ٢٨  
 ٢٩  
 ٣٠  
 ٣١  
 ٣٢  
 ٣٣  
 ٣٤  
 ٣٥  
 ٣٦  
 ٣٧  
 ٣٨  
 ٣٩  
 ٤٠  
 ٤١  
 ٤٢  
 ٤٣  
 ٤٤  
 ٤٥  
 ٤٦  
 ٤٧  
 ٤٨  
 ٤٩  
 ٥٠  
 ٥١  
 ٥٢  
 ٥٣  
 ٥٤  
 ٥٥  
 ٥٦  
 ٥٧  
 ٥٨  
 ٥٩  
 ٦٠  
 ٦١  
 ٦٢  
 ٦٣  
 ٦٤  
 ٦٥  
 ٦٦  
 ٦٧  
 ٦٨  
 ٦٩  
 ٧٠  
 ٧١  
 ٧٢  
 ٧٣  
 ٧٤  
 ٧٥  
 ٧٦  
 ٧٧  
 ٧٨  
 ٧٩  
 ٨٠  
 ٨١  
 ٨٢  
 ٨٣  
 ٨٤  
 ٨٥  
 ٨٦  
 ٨٧  
 ٨٨  
 ٨٩  
 ٩٠  
 ٩١  
 ٩٢  
 ٩٣  
 ٩٤  
 ٩٥  
 ٩٦  
 ٩٧  
 ٩٨  
 ٩٩  
 ١٠٠











فصل فی بیان اقسام افعال و احوال  
اولی آنکه افعال را به دو قسم تقسیم می کنند  
یکی افعال عینیه و دیگری افعال سببیه  
افعال عینیه آنست که در نفس مستقیم  
و بدون واسطه واقع می شود و افعال سببیه  
آنست که بواسطه واسطه واقع می شود  
و احوال را نیز به دو قسم تقسیم می کنند  
یکی احوال عینیه و دیگری احوال سببیه  
احوال عینیه آنست که در نفس مستقیم  
و بدون واسطه واقع می شود و احوال سببیه  
آنست که بواسطه واسطه واقع می شود  
و افعال و احوال را به دو قسم دیگر تقسیم  
نموده اند یکی افعال و احوال عینیه  
و دیگری افعال و احوال سببیه  
افعال عینیه آنست که در نفس مستقیم  
و بدون واسطه واقع می شود و احوال عینیه  
آنست که در نفس مستقیم و بدون واسطه  
واقع می شود و افعال سببیه آنست که  
بواسطه واسطه واقع می شود و احوال سببیه  
آنست که بواسطه واسطه واقع می شود  
و افعال و احوال را به دو قسم دیگر تقسیم  
نموده اند یکی افعال و احوال عینیه  
و دیگری افعال و احوال سببیه  
افعال عینیه آنست که در نفس مستقیم  
و بدون واسطه واقع می شود و احوال عینیه  
آنست که در نفس مستقیم و بدون واسطه  
واقع می شود و افعال سببیه آنست که  
بواسطه واسطه واقع می شود و احوال سببیه  
آنست که بواسطه واسطه واقع می شود

از جهت اولی

[illegible]





[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





[illegible]







[illegible]

[illegible]

[illegible]





۷۱۰



[illegible]

[illegible]

وینے کی کتاب الحمد للہ انور حیا الفیض رحمہ اللہ  
طبع مع خانہ کتاب و عین ۳

بازو در دست

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

۶۱  
عزیزانیه بیخبر از دست آمدن  
و چون از موضع منتهی شود  
نشانه در کمال خطا آب و سیم



[illegible]



[illegible]



[illegible]























[illegible]



[illegible]



[illegible]





































10

المفسر



التنوير











عظیم الشان

۱۰۰













[illegible]

المختصة

64

[illegible]

کلمہ  
اصحاح

المطعم  
فريقنا

[illegible]

وزیر تعلیم و کمال



[illegible]



[illegible]









[illegible]



[illegible]

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]



[illegible]



[illegible]

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]



[illegible]

[illegible]







[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]





[illegible]



[illegible]

















[illegible]



[illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]



[illegible]

2













[illegible]









[illegible]

[illegible]





[illegible]









[illegible]



[illegible]

[illegible]





[illegible]





بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]





انتهای جهت آفتاب می کشند و هر قوس که کمتر از قوس مذکور باشد ماقبل او را تا نو تمام آن قوس کوئید و اگر در آن تمام  
مقطع ملک است و این معدل آنها کوئید و دو قطب بود و دو قطب عالم کوئید یک و در جهت جهت است  
قطب شمال کوئید و دیگر بر دو قطب جنوبی کوئید و مقطع ملک است و این مقطع البروج نیز کوئید و دو قطب  
کند تا معدل آنها در دو نقطه که این دو نقطه نقطه را دو نقطه اختلاف کوئید و در هر دو قطب با قطب است و این  
قطب باشد که بر دو قطب این مقطع که در دو نقطه که این دو قطب در هر دو قطب این دو قطب با قطب است و این  
آفتاب اینها میل می کند و در هر دو قطب است و این قطب باشد که بر دو قطب اینها بر دو قطب است و این  
مقطع مذکور و قوس اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
مقطع که در این دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
این قطب باشد که بر دو قطب اینها بر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
البروج و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
مقطع مذکور و قوس اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
مقطع که در این دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
این قطب باشد که بر دو قطب اینها بر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
البروج و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
مقطع مذکور و قوس اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این  
مقطع که در این دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و معدل آنها را مقدار جانبی است و اینها در هر دو قطب است و این

نقطه

مقطع

مقطع

مقطع

مقطع

مقطع

مقطع

مقطع

و در حال اولی گویند و نیز خصیصه یک نقطه ظاهر و بعد از آن در حال اولی گویند و این که در جانب قطب شمالی  
و در حال اولی با میان قطب افقی و در این حال افتد از جانب قطب از اوج قطب که در این سمت و در این سمت  
اولی سمت نیز گویند و این قطب بود که در قطب افقی و در قطب نصف النهار که در قطب افقی و در قطب شمال  
و جنوب باشد و در آنکه وسط مدار و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
قطب بود و در قطب شمال و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
از در آنکه در میان و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
افقی را قطب گویند و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
گویند و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
از جانب اولی و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
از قطب ان نقطه نیز گویند و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
شود و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
شود و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
تبدیل و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
گویند و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
که در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
افقی و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال  
است مسوره و در این سمت و در این سمت بود که در قطب افقی و در قطب شمال



گوئی که در فغان صورت است با در میان دو چشم او یا بر دست است یا بر پای جب است و برین قیاس و این سه  
صورت واقع شوند و اینها را گویند سطح صورت گویند و چون این کوکب جدا شد که خبر دهد گویند که برین قیاس  
صورت است یا قیوب و این یعنی صورت و برین قیاس و در این صورت چهل و شش لایه است لایک  
در حاشیای است از منطقه البرج و پانزده در حاشیای جنوب و دوازده بر نفس منطقه البرج و ناهای از  
دو لایه که از این صورت گرفته اند باب چهارم در نباتات افک کوکب است که از این لایه  
خوانند آفتاب را و در فغان است هر دو متوالی سطحی یک را مثل گویند که اگر سطح مرکز عالم است و منطقه  
در سطح منطقه البرج و دیگر بر افای مرکز گویند و در مثل محلی مثل بود در مرکز نقطه غیر از عالم سطح  
این سطح منطقه البرج و سطح او ماسی محسوب مثل بود بر نقطه مشرق از افای گویند و مقوسش نیز ماسی  
مثل بود بر نقطه مشرق که از این محلی گویند و اما محلی از مثل از افای که در دایره مختلف محلی باشد یک  
محیط ماسی مرکز و دیگر یک محیط ماسی مرکز که در فغان از حاشیای بود و در مثل محلی بود و در مثل  
محلی بر یک سطح است و در دایره بود و تمام گویند و محلی بود از این محلی مرکز و در فغان ماسی مرکز  
او ماسی هر دو سطح ماسی مرکز بود و در نقطه است افک کوکب عنوانی در فغان و در فغان هر  
بعضی ماسی حقیقه شک ماسی است و هیچ تفاوت نیست اما بدو که یک است هر یک از اینها را ماسی است مرکز و  
مخی شک ماسی مرکز از فغان در فغان ماسی مرکز تفاوت و از این شک نیز در خوانند و هر یک از این کوکب  
چهار گانه که از این در فغان بر حاشیای بود و در کوکب یک نقطه ماسی شده اند و دیگر آنکه منطقه ماسی در این کوکب  
در سطح منطقه البرج است یک منطقه البرج را خط میگویند بر دو نقطه متقابل و نقطه که بر دو طرف فغان از  
اختلاف شک البرج واقع اند و از این دو نقطه بعد از این خواهد آمد و شک ماسی مرکز از غیر افای فغان ماسی گویند  
و همچنین شک ماسی ماسی افک کوکب چهار گانه است و تفاوتی نیست اما بدو که یک است هر یک از اینها را  
که حامل در فغان است منطقه ماسی شک در سطح منطقه البرج و شک ماسی مرکز در سطح ماسی مرکز است  
و ماسی ماسی شک ماسی ماسی مرکز در دایره بود و ماسی مرکز در فغان ماسی مرکز در فغان ماسی مرکز  
و هر که ماسی مرکز بود منطقه ماسی در سطح منطقه البرج و از این شک ماسی مرکز که بدو ماسی شک ماسی مرکز  
نباتات افک کوکب چهار گانه در فغان است و از این شک ماسی مرکز که حامل در فغان است و شک ماسی مرکز

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.





دقیقه و بیست و هشت ثانیه و قدر است و چهار درجه و بیست و دو دقیقه و پنجاه و سه ثانیه باشد و این هم مستحق  
 محسوب است از آن جهت که این مقدار در آن مثل حرکت خلیج ترکیست و گوئی که هر قدر است و این که با سائر کوهی  
 است دقیقه و یازده و ثانیه باشد و گوئی که این مقدار در آن هر شمار در آن یازده درجه و نه دقیقه و بیست و هشت ثانیه باشد  
 و مانند و بیرون ساحل در این نیستند و اگر اعلا این انبار بر توای حرکت کند بعضی بر جهات توایا که خواهد کرد  
 حیاط و درخت است نه که گوئی که هر قدر و اگر اعلا بر جهات توایا پخته بعضی بر توایا خواهد بود و چهارم درجه است  
 و اوایل است که اعلا را اعتبار کنند و گوئی که هر قدر و اگر حرکت کنند و باقی در او حرکت خواهد کرد و حرکت او  
 و از او حرکت خاص گویند هر قدر و از او سبب از یک سبب درجه و سه دقیقه و پنجاه و سه ثانیه است و هر یک از این  
 نه از او گوئی که علوی و اندر بعضی که خلیج مرکب است که در ساحل او باشد پس در سبب از او حرکت و در هر حال در  
 چهار و بیست و هشت دقیقه و بیست ثانیه باشد و بیشتر در چهار و بیست و هشت دقیقه است و نه ثانیه و بیست ثانیه  
 و در آن است و بیست و هشت دقیقه و بیست ثانیه و یک ثانیه و بیست ثانیه باشد و در آن است و بیست و هشت دقیقه و نه ثانیه  
 باشد و مقدار در آن درجه و بیست و هشت دقیقه و بیست ثانیه باشد و بیست و هشت دقیقه و نه ثانیه در میان اوایل در آن  
 می شود و سبب است و آن چیز که در آن است فصل اول در میان این کوه است در طول ساحل می شود و هر کوه  
 و این انقباض کوه نیز گویند و گوئی که بود از منطقه البروج میان اول و دوم موضع و طولی بر توایا و در هر دو  
 کوه است طولی و عرضی که در آن عالم مرکز کوه که در دو نقطه است از این جهت که اگر کوه است از این جهت خود و الله  
 نقاط و آنرا عرضی بود که در آن خط می کشند و در آن منطقه البروج یعنی از این نقطه تا این نقطه خط می کشند و از این  
 خط را خط تقوی گویند و گوئی که کوه است که گوئی که این کوه است که در آن خط می کشند و گوئی که کوه است که گوئی که  
 و چون هر یک از سبب است و از آن جهت که در آن است و گوئی که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 که سبب است مختلف باشد و از آن جهت که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 مرکز عالم است و یک عالم مرکز و گوئی که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 چهار نقطه است که هر دو در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است  
 معلوم کند که گوئی که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است که در آن است





[illegible]



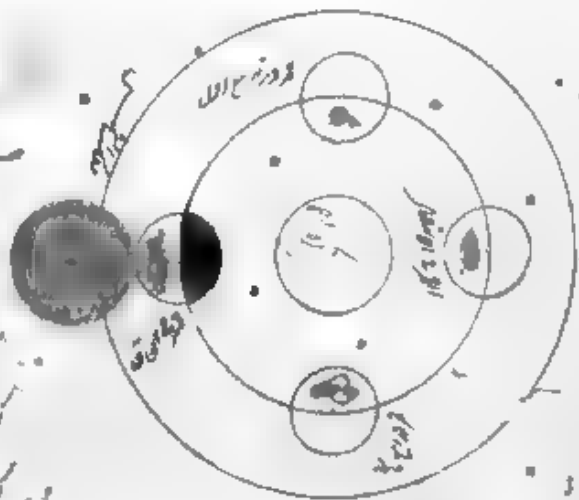
[illegible]







مسطحی گویند و آن دفعه که بود که کوب بر وسط سما بود به پنج درون حال کوب را اختلاف در محل نبود و در هر مرتبه  
 طول بینه موضع خفیف کوب بود و طول در آنجا زرد این برای میان موضع خفیف و موضع مرتب باشد و آن درین حال هر چه  
 خفیف است آنرا اختلاف را می گویند و گاه باشد که این بود و آنرا به مواضع گویند و گاه بود که در هر یک به مواضع  
 کند و در هر حال موضع مرتب کوب بود و طول بینه موضع خفیف کوب بود و طول و فاصله از وسط ابروی که میان دو موضع  
 از اختلاف کوبند و موضع مرتب کوب باشد که مساوی عرض خفیف بود و در هر حال کوب اختلاف عرض بود و گاه  
 که زیاد بود از عرض خفیف بود و گاه باشد که کمتر از عرض خفیف بود و هر یک از این را باید دید که از اختلاف عرض کوبند و گاه  
 اتفاق افتد که کوب در وسط ابروی که در وسط است از کوب که در هر یک از کوب است اختلاف عرض و طول  
 منظر به سبب اختلاف طول باشد در میان احوالی که عارض می شود که کوب است و در احوالی که نسبت به  
 دارند از جهت احوالی که در انقباض و تنگی عارض می شود این است و آن عبارت است که هر چه تنگی است تنگی  
 و تنگ است و تنگی می باشد و هر گاه که است و در احوالی که خود تر حین تنگی است و هر گاه که تنگی است تنگی بود  
 و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد  
 از این جهت که در در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد  
 و گاه می رود و تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد  
 و چون از تنگی که در در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد و در تنگی تنگی می باشد



از نصف منحنی صحیح نماید و نصف منحنی تمام مواج باشد  
 و محقق شود بعد از آن حالت او باید نمود و این صورت  
 تصور کنید مواج همان بود که از این مواج در هر یک از مواج  
 منحنی و آنرا باید دید و این صورت در میان هر دو انقباض  
 شود و در این انقباض در هر یک از این مواج که در انقباض  
 که یکی که بنده گاه بجای بونش جای از انقباض صحیح نماید  
 و گاه کوب کوبند و گاه باید از روی بونش و این مواج  
 خودی کوبند و هر یک از این مواج که باشد و اولی از این مواج که باشد و اولی از این مواج که باشد







[illegible]

۲۲

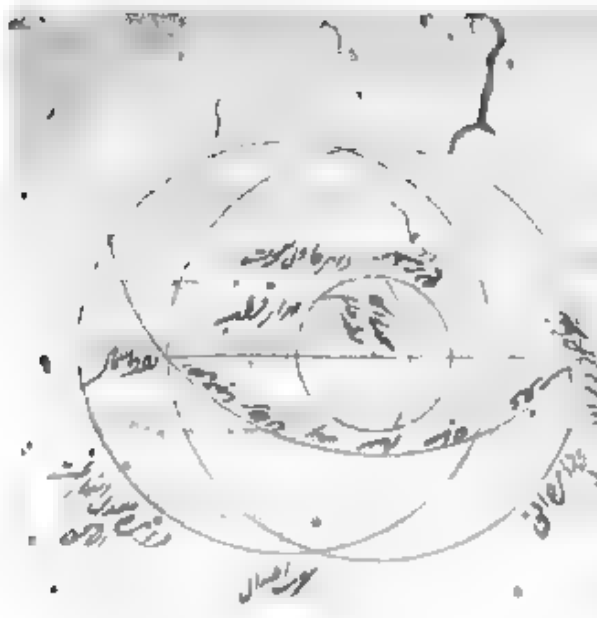
انٹرنیٹ





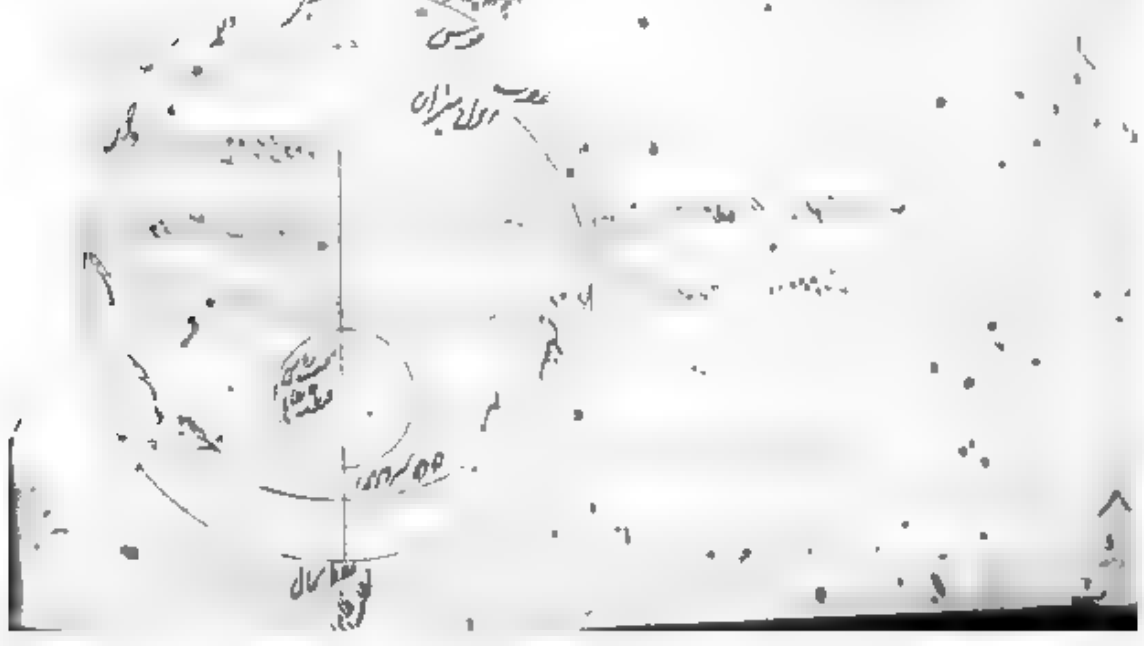






از جانب شرقی و وسیع فلک بی شغل باشد  
 و بعد از آن چون کوکب کند اول جزا از نقطه از  
 افق بلند شود و در جانب شرقی ابتدا اول کوکب  
 از نقطه جنوبی از افق شود و در جانب غربی  
 و کوکب از نو که باطل شود چو بسته بود از افق  
 و افق برآمد که در فلک بی شغل از افق پیش تر  
 و درجه بسته و نیم درجه بسته از افق پیش تر

میشود و ششم تا نهم نور طلوع کند و در جانب شرقی از افق پیش تر  
 و در طرف طلوع اعتدال مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب شرقی از افق  
 غروب و در جانب جنوبی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب شمالی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب جنوبی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب شمالی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب جنوبی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب شمالی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق  
 و بعد از آن که در جانب جنوبی از افق مذکور بود از طلوع کوکب که در جانب غربی از افق





[illegible]

بد بود یا صاحب آن چه که در افق جنوب که عرضش برابر افق مکانی و مطلق جزوی از قطب البروج نیست بود از محول  
میان اول محل نقطه اعتدال که با آن جزو از قطب البروج طایفه کشند بر توایا و ابتدا اصطلاح جزو از اعتدال  
در سببی کشند و بیضی مطلق جزو استوائی را از آن به اول جوی بگیرند بعد گفته که در محول طایفه شود  
با تمام در میان درجه کوکب و درجه طایفه و درجه جنوب درجه کوکب باشد از قطب و درجه کوکب  
نصف آنها را که در جون بر ارضی خطی باشد ما جدم ارض درجه کوکب یعنی درجه جنوب باشد و الا هر یکی  
نقطه دیگر از قطب البروج و چون فوس با چهار اختلاف هر کوکب پس از آن کوکب در نصف ارض است که در جنوب  
از کوکب نصف النهار رسد اگر ارض کوکب در جانب قطب باشد و اگر کوکب نصف النهار رسد اگر ارض در جانب  
قطب باشد و اگر درجه کوکب در نصف دیگر بود یکسای باشد یعنی بعد از آن کوکب نصف النهار رسد اگر ارض کوکب در جانب  
طایفه باشد و پیش از آن کوکب رسد اگر ارض کوکب در جانب دیگر بود و درجه طایفه درجه کوکب و کوکب از قطب که کوکب  
طایفه که در درجه جنوب درجه کوکب با کوکب با کوکب هم جنوب کند و هم درجه طایفه و کوکب در سمت استوائی باشد هم درجه  
هم باشد بی تفاوت اما غیر خط استوائی در افق و لا محاله تا به خط میل می باشد کوکب پیش از درجه پیش طایفه کند و بعد  
از درجه پیش از کوکب که ارض کوکب درجه قطب طایفه باشد و یکسای ارض کوکب درجه قطب خفی بود یعنی بعد از درجه  
طایفه و پیش از درجه کوکب که در افق که عرضش می بین که بود هر طایفه و جنوب همین است یعنی آنکه  
کوکب در اعتدالی باشد که چون کوکب

شود یا درجه پیش با هم طایفه کند و اگر در اعتدال دیگر بود یا درجه پیش با هم جنوب کند و در باقی طایفه مطلق البروج  
که بعد از آنکه اعتدالی درجه کوکب و کوکب در جانب قطب خود جزو نقطه بود که سمت ارض کوکب در اعتدال  
بود قطعه مختلف تقسیم شود که سوزی و بر نصفش اعتدالی دیگر بود و دیگر بر نصفش اعتدالی دیگر بود و یکی در کوکب  
و الا در اعتدالین باشد کوکب با درجه پیش با هم طایفه کند و اگر کوکب در جانب قطب بود و درجه پیش طایفه کند اگر ارض کوکب  
در جانب قطب طایفه بود و پیش از درجه پیش طایفه کند اگر ارض کوکب در جانب قطب خود بود و اگر کوکب در جانب  
نقطه خط بود و یکسای از درجه پیش از درجه پیش طایفه کند اگر ارض در جانب قطب طایفه باشد و بعد از درجه پیش  
طایفه که ارض در جانب قطب طایفه باشد و بعد از درجه پیش طایفه کند اگر ارض در جانب قطب طایفه باشد و غیر  
نقطه بر خط بود و یکسای از درجه پیش از درجه پیش طایفه کند اگر ارض در جانب قطب طایفه باشد و غیر





[illegible]



باقیم شد و جانب باشد که تیر از آن سید در آن جانب بود و خطی که منقسم در سطح که تقیاس بود و با هم باشد  
 فاعده مقیاس و خطی ششانی که بر مقیاس کشیده اند اگر مقیاس موازی افقی باشد آنرا خط اول و خط اولی  
 اند و اگر باقی باشد آنرا خط دوم و خط منقسم خوانند و خطی که در اصل باشد میان سر مقیاس و سر خط اول  
 اقم تر اند و اول تیر از افقی طوی کند فلان منقسم باشد و بعد از آن حادث شود و بر تیر از افق را از تیر  
 که است بر خط اول و انتهایی شود و خط دوم بر خطی که باشد بر افقی باشد و دوم نامشای  
 باشد و تیر از ارتفاع منقسم شود تا چون بر سمت راست رسد منقسم شود و خطی که با خطی مقیاس  
 خط اول است بر خط منقسم کشند و از آنست خوانند و مقیاس خط دوم را گاه بعد از ده قسم تیر کنند و از خط  
 که تیر و گاه بعد از هر قسم که در آنرا اندام گویند و خطی که دوم منقسم شود تا خطی که نامی رسد و خط  
 بی بر خط اول گویند اول و خط خطی که اول و خط خطی که دوم نامشای  
 یا زیاد شود بر خطی که اول بقدر قامت مقیاس و بصفت قامت مقیاس تمام آن خطی که باقی بود  
 در وقت خط نصف النهار و سمت قبله یعنی را به مواز خطی که اگر اب در میان وی بریزد  
 از همه جوانب برابر بستان کنند و برای سوره زینبی انی سازند مثلث متساوی الساقین و متخفف  
 فاعده اولی کشند و از آنست مثلث شاقولی در او برند و سطح زمین را از آن سازند که مثلث را  
 به طریقی که در آنست شاقولی بر آن نشان آید پس در این بری زینبی کشند و بر مرکز آن بر مقیاس خط  
 کشند و خطی است که مقیاس را موازی مسدود تمام سازند و بر مرکز آن در خط مسدود فاعده مقیاس  
 و مقیاس را همان نصب کنند که فاعده مقیاس بری دارد تمام سطح شود و خطی که در آنست در آن نشان  
 کشند و خطی را که در میان هر دو نشان است متخفف کنند و اگر در خطی که خطی که در آنست خط نصف  
 باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد  
 این دایره را منقسم متساوی کنند و این دایره را دایره باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد  
 و در سلسله است و اما به موقت است قبله و آن نقطه خطی است  
 میان افقی بعد و سمتی که سمت راستی که در خطی که در آنست خط نصف النهار باشد و خطی که در آنست خط نصف النهار باشد  
 افقی باین نقطه که در خطی که سمت قبله بود و گویم اگر بعد از آنکه در افقی



بند در عرض است فیه نقطه جنوب است اگر عرض بلند باشد از عرض یک باشد و الف نقطه شمال بود و اگر طول عرض  
باشد تفاوت مابین الطولین را اگر باشد در عرض است اگر کم از یکم درجه باشد هر دو درجه چهار  
و نیمی ساعت یکم و اگر بر آید ساعت و دو فاقی نگاه داریم نگاه دوری ده صد کم که آفتاب در آن  
وقت باشد با جهت و سیم و چهار ساعتی که طول کند پس در آن روز چون از نیم روز بقدر ساعات و فاقی  
و فاقی که نگاه داریم گذرد هر مقیاس خط است فیه بود و اگر طول بلند میسر آید یک باشد و اگر  
از نیم روز بقدر ساعات و فاقی گذرد هر مقیاس خط است فیه بود و فیه در خلاف خط باشد  
فاصله در حوت ابعاد او را بر عدد و حساب معلوم کند که دور زمین یعنی محیط خط که از زمین می گذرد  
است هزار فرسخ است هر دو که من هر صیغه است هر که از آن است و دو و صیغه هر صیغه مقدار عرض  
شش جو مقید و بعضی هر مقدار که سن یا رمیالی است و قطر یعنی دو هزار و چهار صد و چهل و شش  
است و ساعت روی زمین است و چهار بار هزار و سیصد و بیست و سه هزار و سیصد و بیست و شش  
است و ساعت مقدار معونه از روی زمین چهار بار هزار و سیصد و بیست و سه هزار و سیصد و  
چهل و شش است و بعد مقول فلک غیر از کره عالم چهل و یک هزار و نه صد و بیست و شش فرسخ است و بعد مقول  
فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
قطر که مقول فلک و غیره است و اول است و افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
فرسخ است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
و دو فرسخ است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
و باقی فرسخ است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
و صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
هزار و دو و بیست و چهار هزار و شصت و نه فرسخ است و بعد مقول فلک غیر که مقول فلک است از کره عالم افتاد و بجز او نیست صد و شصت و شصت فرسخ است و بعد مقول  
که در میان آن که از آن عرض معلوم می شود که نظر آفتاب عقیده هزار و باقی و بیست و شصت فرسخ است و بعد مقول

۱۲  
 هم سجد و هشت و شش برابر می است و قطر قرص نصف در یک فرسخ است و حجم دی سجد سی  
 بر سنج هم زمین است و قطر من چهار هزار و صد و شصت و شصت و نیم است و حجم دی سجد و  
 بر بر زمین است و قطر مستطی چهارده هزار و پانصد و نود و دس فرسخ است و حجم او صد و  
 مایه برابر زمین است و قطر مربع سه هزار و پانصد و نود و دس فرسخ است و حجم دی  
 سه برابر زمین است و قطر مربع پانصد و شصت فرسخ است و حجم او مقدار یک و نیم است  
 است و قطر مطلق و صورت فرسخ است و حجم او یک کس از ده و اندک هزار و هفتصد و شصت و شصت  
 زمین است و اصغر لوا است و صورت بیست و سه برابر زمین است و اندک اعظم بالصواب  
 بحسب هفت اجاب ه ه

